

REZA  
MORADI

مورادی

ASSAR  
ART  
GALLERY  
نگارخانه اثر  
www.assarartgallery.com

تهران، کریمخان زند، خیابان ایرانشهر، کوچه فرورشان، شماره ۱۶  
کدپستی ۱۵۸۳۶: تلفن: ۸۸۳۲۶۶۸۹ فکس: ۸۸۳۴۳۹۴۷  
16 BARFOROUSHAN ALLEY,  
IRANSHAHR ST., KARIMKHAN ZAND ST.,  
15836 TEHRAN-IRAN.  
PHONE: (+9821)88326689  
FAX: (+9821)88343947  
info@assarartgallery.com



ویرانه های مدور“ بر اساس نوشته های شاهنامه Circular Ruins Based on Texts of *Shahnameh*

## Reza Moradi

1973 Kermanshah, Iran Solo Exhibitions 2012 Assar Art Gallery, Tehran, Iran 1992 Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran  
Selected Group Exhibitions 2012 Toys, Elaheh Art Gallery, Tehran, Iran 2006 Afrand Art Gallery, Tehran, Iran

### رضامرادی

۱۳۵۲ کرمانشاه، ایران نمایشگاه های انفرادی ۱۳۹۱ نگارخانه اثر، تهران، ایران ۱۳۸۱ بخش هنرهای تجسمی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران برخی  
از نمایشگاه های گروهی ۱۳۹۰ اسباب بازی، گالری الهه، تهران، ایران ۱۳۸۵ گالری افروند، تهران، ایران

نگارخانه اثر ASSAR  
ART  
GALLERY

All rights reserved  
No part of this publication may be copied or transmitted  
in any form or by any means without the prior written permission of Assar Art Gallery.  
Printed in July 2012  
Art Director & Graphic Designer: Iman Safaei  
Production Manager: Hooyar Asadian



>> مرگ اسفندیار، ترکیب مواد روی چوب، ۲۶×۲۰ سانتیمتر، ۱۳۸۸  
*The Death of Esfandyar, mixed media on wood, 26x20 cm, 2009*  
ناپدید شدن کیخسرو، ترکیب مواد روی چوب، ۲۹×۲۴ سانتیمتر، ۱۳۹۱  
*Kai Khosrow Disappears, mixed media on wood, 29x24 cm, 2012*



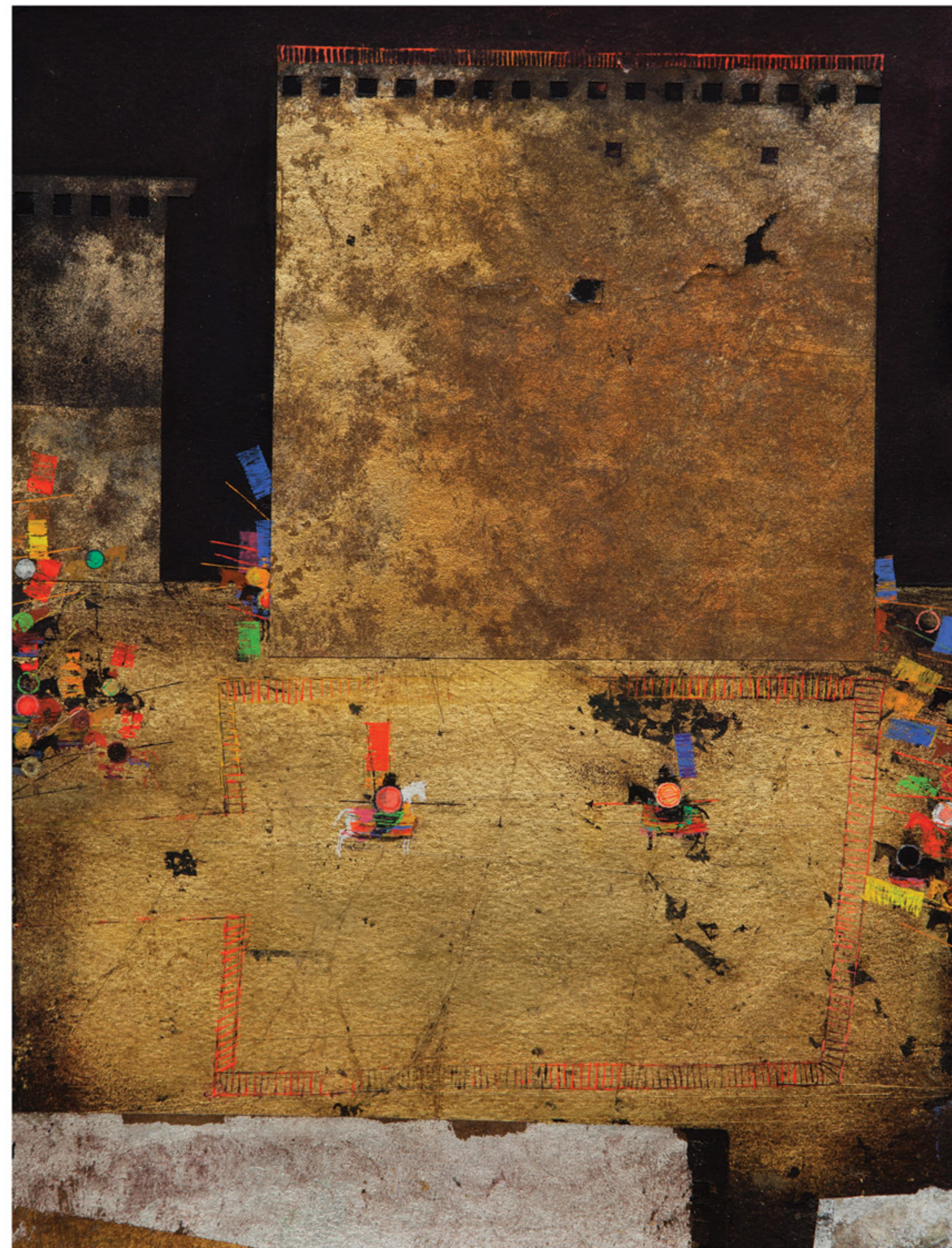


گذر کیخسرو، فرنگیس و گیو از جیحون، ترکیب مواد روی چوب، دولته‌ای، ۲۷×۴۰ سانتی متر، ۲۷×۲۰ سانتی متر هر لته، ۱۳۹۱  
*Kai Khosrow, Farangis and Giv Passing Through Jeyhoun, mixed media on wood, diptych, 27x40 cm overall, 27x20 cm each panel, 2012*





>> محاصره‌ی روئین دژ توسط اسفندیار، ترکیب مواد روی چوب، ۲۵/۲۰×۲۰ سانتی متر، ۱۳۸۸  
*Esfandiyar Besieges Ruyin Dezh, mixed media on wood, 25.2x20 cm, 2009*  
به آب زدن کبخسرو، فرنگیس و گیو، ترکیب مواد روی چوب، ۲۹×۲۴ سانتی متر، ۱۳۹۱  
*Kai Khosrow, Farangis and Giv Taking a Dip, mixed media on wood, 29x24 cm, 2012*





کیخسرو، فرنگیس و گیو از جیحون می گذرند، سه لته ای، ترکیب مواد روی چوب، ۲۷/۵×۶۱/۵ سانتی متر، ۲۷/۵×۲۰/۵ سانتی متر هر لته، ۱۳۹۱  
*Kai Khosrow, Farangis and Giv Passing Through Jeyhoun, mixed media on wood, triptych, 27.5x61.5 cm overall, 27.5x20.5 cm each panel, 2012*





لشکرکشی بهمن به زابلستان، ترکیب مواد روی چوب، دولته‌ای، ۳۰×۴۵ سانتی متر، ۳۰×۲۴/۵ سانتی متر هر لته، ۱۳۹۱  
*Bahman Invading Zabolestan, mixed media on wood, diptych, 30x45 cm overall, 30x24.5 cm each panel, 2012*





>> نبرد رستم و اسفندیار، ترکیب مواد روی چوب، ۲۸×۲۱ سانتیمتر، ۱۳۸۸  
*The Battle of Rostam and Esfandiyar, mixed media on wood, 28x21 cm, 2009*  
اسفندیار روئین دژ را محاصره می کند، ترکیب مواد روی چوب، ۳۰×۲۴/۵ سانتیمتر، ۱۳۹۱  
*Esfandiyar Besieges Ruyin Dezh, mixed media on wood, 30x24.5 cm, 2012*





Reza Moradi has found commonalities between Modern and Persian Painting (schools of Herat and Tabriz) and is trying to create a new makeup out of it. Since any association between traditional and modern will eventually be to the advantage of modern, Moradi's paintings are indeed considered to be modern. I designate his work as comparative because his works are conspicuously authentic and for that reason they are far off the popular "fusion" or in more fashionable language, "post-modern."

In terms of theme, like the tradition of Persian Painting, Reza Moradi's paintings fairly exemplify a literary text (in this case, Ferdowsi's Shahnameh<sup>1</sup>). The intentional and exaggerated use of the color black in his paintings is a virtue. Black never sways away from telling the story of the Shahnameh in addition to its power of expression. In other words, even though black is a visual quality in Moradi's works, it is also the darkness of Bijan and Manijeh's Yalda Night<sup>2</sup>.

In his small paintings, as Moradi distances himself from his creations' settings, he also alienates himself from their objectivity. From a comparative perspective, the distance between the artist and his creation in his work is more than that of the ancient Persian painters with their paintings. Here, everything is seen from a long shot in cinematic terms. Today, Reza Moradi is standing further away from where once Iranian painters used to stand so as to eradicate individuality from the elements and characters in his paintings.

There are almost no signs in his work to hint to which time period or place his characters belong.

There is a decisive attribute in an artist being alienated from his painting as it obliterates all archetypical descriptions of Persian Painting. The characters and main elements of the story are so small in Moradi's work that applying any miniaturesque technique seems to be impossible. In his paintings, every horse and every flag, every castle and every rock becomes a painterly element more than just an entity. Even if the plot and literary narrative are eliminated from his paintings, if objects no longer resemble what they should picture, and if all is considered nothing but a touch of paint and light, we will still not lose much because the main idea and the story in Moradi's work is about the darkness of the present world.

In the battle between the riders with a flag in a dead dark desert from a distance where distinguishing between good and evil becomes impossible, especially in such small frames, a crucial story is going on. There lies an absurdity in the contemporary world where people still get killed by others that we better distance ourselves from it, just once, instead of examining it closely under lab conditions, so to reduce its tragic burden by focusing on the performance of the signs; even if the performance leads to a darker world.

By Javad Modaressi

رضا مرادی در نقاشی ایرانی (مکتب هرات و تبریز) و نقاشی مدرنیسم وجوه اشتراکی پیدا کرده است و دارد از آن‌ها یک چیز تازه می‌سازد. از آنجا که هر نوع انطباق میان امر سنتی و امر مدرن در نهایت به سود مدرنیسم تمام می‌شود، پس نقاشی‌های او بی‌شک مدرنیستی‌اند. «تطبیقی» می‌نامم چون به نظر من وجه اصلی در این آثار خودنمایی می‌کند که آن‌ها را از یک «تلفیق» عوام‌پسندانه و گاه به بیان امروزی‌تر، «پست مدرن» می‌رساند.

نقاشی‌های او از نظر موضوع، همچون سنت نقاشی ایرانی، به سادگی توصیف‌گر یک متن ادبی‌اند (در اینجا شاهنامه‌ی فردوسی). استفاده‌ی عامدانه و افراطی از رنگ سیاه در کار او یک ویژگی است. این رنگ در عین قدرت بیانگری‌اش هیچگاه روایت داستان شاهنامه را فرو نمی‌گذارد. یعنی همچنان که رنگ سیاه در کار او یک ویژگی بصری است، ظلمت شب یلدای بیژن و منیژه نیز هست.

رضا مرادی در نقاشی‌های کوچک‌اش همچنان که از موقعیت هر چیز فاصله می‌گیرد، از عنینت آن چیزها هم دور می‌شود. از دیدگاه تطبیقی در آثار او فاصله‌ی میان نقاش و مورد نقاشی‌اش بیش‌تر از فاصله‌ای است که زمانی نقاشان ایرانی با مورد نقاشی‌شان داشتند. در اینجا همه چیز - به اصطلاح سینمایی - در لانگ‌شات دیده می‌شود. رضا مرادی امروز، از جایی که زمانی نقاشان ایرانی ایستاده بودند، عقب‌تر رفته است تا به این ترتیب فردیت را از عناصر و انسان‌ها در نقاشی‌اش حذف کند. انسان‌ها در نقاشی‌اش تقریباً هیچ نشانه‌ای که مشخص کند مربوط به چه زمان و مکانی هستند را برای ما باقی نمی‌گذارند.

فاصله گرفتن نقاش از مورد نقاشی‌اش یک ویژگی اساسی در خود دارد؛ این فاصله همه‌ی تعریف‌ها و تابوهای وجه‌مثالین نقاشی ایرانی را از بین برده است. بازیگران و عناصر اصلی داستان در آثار او چندان کوچک‌اند که دیگر هر نوع عمل مینیاتوری در آن‌ها ناممکن به نظر می‌رسد. در آن‌ها هر اسب و هر پرچم، هر قلعه و هر صخره، پیش از آن که یک «چیز» باشد، یک «عنصر نقاشانه» است. در این نقاشی‌ها اگر ایده و داستان ادبی حذف شود، اگر شیئیت اشیا حذف شود، و اگر همه چیز در آن‌ها جز یک لکه‌ی رنگ و یک لکه‌ی نور نباشد باز هم ما چیز زیادی را از دست نداده‌ایم چرا که ایده و داستان اصلی در آن‌ها یک چیز بیش‌تر نیست: تاریکی جهان حاضر.

در نبرد میان سواران پرچم به دست، در بیابانی یک سر تاریک، از فاصله‌ای که در آن تشخیص خیر و شر، دیگر برای ما ناممکن است، آن‌هم در کادرهایی چنین کوچک، یک حکایت بزرگ در جریان است. در جهان معاصر که در آن همچنان کسانی توسط کسان دیگر می‌میرند حماقتی نهفته شده که بهتر است این بار به جای نزدیک شدن و مطالعه‌ی آزمایشگاهی‌اش از آن فاصله بگیریم تا به این ترتیب از بار تراژیک آن با بازی نشانه‌ها بکاهیم. هر چند این بازی به تاریک‌تر شدن جهان بیانجامد.

جواد مدرسی